

اثر: ب. ج. انرایت^۱
ترجمه: رضا یاوری

رسانه‌های نوین و کتابخانه^۲

در اوایل سال ۱۹۷۲ «سنشی انجمن کتابداران» مقاله «رشد و توسعه رسانه‌های نوین» را به نگارش درآورد، این مقاله به‌مانند کتابهای چاپی اسلاف و گذشتگان ماکه از آن استقبال کرده و آنرا وارد مجموعه کتابهای خود کردند سهم و درخور توجه میباشد. در آینده نچندان دور میکروفرم‌ها، ثبت‌های گرامافونی، فیلم‌ها، نوار بصورت فیلم، اسلاید، کاست، نوارهای جدید ویدئو و دیگر فرم‌های ضبط تلویزیونی بخش‌های عمده خدمات کتابداری را تشکیل خواهند داد. حال برای حرفه کتابداری زمان آن فرا رسیده که به تولید کنندگان و استفاده کنندگان از رسانه‌ها دقیقاً با همان روشی که به دنیای کتاب کمک کرده است یاری رساند. هم‌اکنون که دیگر رسانه‌ها در کسب علم و تحصیلات بیش از پیش مورد استفاده قرار میگیرند کتابداران نیز باید به سوازات استفاده کنندگان از این خدمات حرکت کرده یا همگام با آنها قسمتی از رسانه‌ها را مورد استفاده قرار داده و بر تجربیات خود بیفزایند. بیان این مطلب که بوسیله مکاتبات تند و سوزان در مورد نقش‌های مربوطه کتابدار بین متخصصین آموزش و متخصصین رسانه‌ها انجام گرفت برای این حرفه موقعیت جالبی کسب کرد. حرفه کتابداری متهم به این امر شده که در تشکیل یک امپراطوری جدید زیاده روی کرده و نیز اشتیاق فراوان در بزرگ‌نمایی حدود قلمرو خویش به خرج داده است. اگرچه آنطوری که مدیر مرکز سمعی و بصری دانشگاه لندن عنوان کرده در واقع موقعیت هیچ فردی با وجود این باصطلاح امپراطوری در خطر نیست و سایه تأسف خواهد بود که احیا، و کسب نیروی تازه به‌خطر افتد.

این تبادل در زمینه نشان دادن آگاهی روبه رشد تعدادی از کتابداران که اهمیت رسانه‌های نوین برای کتابخانه و خدمات آنها برای استفاده کنندگان را درک کرده‌اند جالب

1- B. J. Enright.

۲- ترجمه از کتاب The Art of The Librarian از انتشارات Oriel Press سال 1973

توجه می‌باشد. بنظر میرسد که هم در داخل و هم در خارج از حرفه کتابداری افراد بسیاری یافت می‌شوند که «رسانه‌های نوین» را با بذل توجه هرچه بیشتر به رسانه‌های قدیمی ترجیح داده و آنرا به مبارزه می‌طلبند. یکی از کتابداران دانشگاه هاروارد عنوان کرده است که «کتابخانه قدیمی - تر از کتاب است» و باعث تأسف خواهد بود که برای رشد و گسترش حرفه کتابداری بین «گرایش‌های قدیمی» و «گرایش‌های جدید» مجادله وجود داشته باشد.

رسانه‌ها بعنوان وسائل گرافیک، فتوگرافیک - الکترونیک یا مکانیک توصیف می‌شوند که برای اتخاذ اطلاعات سمعی و بصری و بازسازی آنها بکار می‌روند، ضمناً سوادی که بصورت سنتی بوسیله کتابخانه بکار گرفته می‌شود حتماً بصورت رسانه است.

بنظر میرسد مشکلات ایجاد وسائل مناسب رسانه‌ای به غیر از کتاب مثلاً اصطلاح ناپخته «سواد غیر کتابی» و یا معادل آن ناشی از طبقه‌بندی ساختگی و تأسف آور رسانه‌های خبری باشد که بر طبق شکل ظاهری و فرم بسته‌بندی‌شان، اطلاعاتی از آنها کسب می‌کنیم. سؤال این نیست که چرا کتابخانه‌ها باید علاقه بیشتری به سواد رسانه‌ای نوین نشان دهند بلکه این است که چرا نباید نسبت به آن علاقه بیشتری نشان دهند؟ واقعیت این است که قلمرو رسانه‌های نوین و کاربرد متغیر آن بویژه در تحصیل علم و پژوهش یکسری مشکلات گیج‌کننده‌ای را برای کتابداری ایجاد می‌کند تا بتواند بر آن فائق آمده و مسلط شود.

بسته‌بندی‌های غیر عادی شامل نوار صوتی - صفحه و اسلاید که اغلب به صورت چاپی بوده و بشکلی ظاهری کتاب ارائه می‌شوند و به‌سرور به صورت تجارتي تولید و انتشار می‌یابند. بعضی از کتابخانه‌ها بدو از مشکلات رسانه‌های جدید آگاه بوده‌اند، بطور مثال «با دریافت و قبول درخواستهایی جهت (رسانه پیوندی و مخلوط) که در آن رسانه‌ها، سواد چاپی انتشار یافته بخش عمده‌ای از کار را تشکیل میداده و یا با درخواست امانت‌هایی بصورت بسته رسانه‌ای از یک مؤسسه به مؤسسه دیگر و یا به شکل امانت بین خود کتابخانه‌ها».

از دیگران نیز خواسته شده که ذخیره سواد رسانه‌ای آموزشی - فراگیری را بپذیرند تا استفاده‌کنندگان مربوطه بتوانند به آنها رجوع کرده و حتی آنها را امانت بگیرند. تعجب‌آور است که در ادبیات وسیع تکنولوژی آموزش و پرورش منابع رسانه‌ای به میزان زیادی کم است. علی‌رغم تأکید روی اختلاف بین دو مسئله «تکنولوژی در آموزش و پرورش» و «تکنولوژی آموزش و پرورش» بنظر میرسد که توجه زیادی به وسائل و تجهیزات الکترومکانیکی یا سخت افزار کامپیوتری برای اهداف آموزشی مبذول شده است. توصیف برنامه‌های آنتین و ابتکار و تخصص به همراه ادعاهای مبالغه‌آمیز باعث شده که نویسندگان آنها به عنوان بخشی از «ارابه تکنولوژی آموزش و پرورش» تلقی شوند. مشاهده می‌شود که نسبت به «کمک‌های سمعی و بصری» در آموزش

(حتی در دبستان و دبیرستان) توجه بیشتر و به وضعیت فراگیری در کل آموزش و پرورش توجه کمتری مبذول شده است.

آقای سر برینمور جونز^۳ در اظهار نظر نسبت به گزارش «کمکهای سمعی و بصری در آموزش تحصیلات دانشگاهی» در سال ۱۹۶۵ که وی ریاست آن را به عهده داشته چنین اظهار سیدارد: در حالیکه چند سال پیش فکر کردن در مورد کمکهای سمعی و بصری و آموزشی بسیار خوب بود ولی امروزه انسان در مورد رسانه های نوین میاندیشد که فراگیری و آموزش شخصی را میتواند تسهیل و غنی تر سازد و عجب است که در این رابطه نقش کتابخانه «که همیشه با موجودیت اشخاص کمکی و موقتی و نیازهای آموزشی - اطلاعاتی آنها اجین بوده» توجه کمی را به خود جلب کرده است. موافقی که مسئله در مورد کتابخانه ها مطرح میشود اغلب با فروتنی و عدم شکیبائی به موضوع آن پرداخته میشود.

احتمالاً کلمه «سنٹی» حداقل فریب و سوء استفاده در مورد القاب و عنوانهای مورد استفاده تلقی شده و کتابداران را وامیدارد که دیگر «محافظین زمان گذشته» نباشند. واضح است که در محکوم کردن مفهوم کتابداری مدل قدیم تقریباً هیچگونه اطلاعی از هدف کتابداری مدرن در دست نبوده و به نظر میرسد که نوعی تصور ملی میهنی در این مورد که میتوان به مواد رسانه های جدید آسان تر از کتاب سرو سامان داد وجود داشته باشد. بهر حال مواجه شدن با بی اعتباری یا حتی حالت حمایت و پشتیبانی از کتاب و آینده آن بعید به نظر میرسد.

مک لوهان^۴ راجع به «سواس ما در مورد کتاب» صحبت کرده و بیروانش نیز در مورد (طلوع نور در کارهای چاپی) بحث میکند اگر چه یک اصل برای شناخت ماهرانه مطلب زیر کم کم جا میافتد که (کتابها محصول همیشگی و مهم تکنولوژی کسب اطلاعات و خبر - رسانی میباشند).

باید پذیرفت که حرفه کتابداری نیز توجه بالنسبه کمی در مورد مسائل و مشکلات رسانه ای که از نادیده گرفتن موضوع کتابداری جلوگیری نماید مبذول داشته مثلاً هدایت و راهنمایی نوشته ها در مورد کتابداری کتابداران در بنای کتابخانه های دانشگاهی آنقدر ناچیز میباشد که یک نفر مفسر جدید اینگونه میاندیشد که کتابداران با درگیر شدن صرف با کتاب به مرور بطور آهسته اوضاع را از دست میدهند. توجه به این موضوع تأسف آور است که چگونه سمت گیری سنتی در مورد مسائل چاپی به عنوان آخرین تحقیقات کتابداری و پروژه های خود کار واتوماتیک تلقی میشود. بنابراین ضرورت کاملی احساس میشود که در رابطه با مقتضیات جدید باید نقش

3- Sir Brynmor Jones.

4- Mc Luhan.

کتابداری را بررسی کرده و سیاستی را پایه‌ریزی نمائیم که هم بوسیله افراد خارج از این حرفه و هم توسط کتابداران براحتی درک شود و بهمین راحتی نیز وضعیت کتابخانه‌ها در نزد افکار عامه مشخص میشود، که کار کتابخانه‌ها نیز به همراه دیگر موضوعات از نظر دور بوده است. کمکهای بالقوه کتابخانه در این زمینه بوضوح مورد ستایش و قدردانی برخی از کسانی که حرفه آنها کتابداری نیست نیز قرار گرفته است. یکی از متخصصین برجسته آموزش و پرورش انگلیس اشاره میکند که «بین کتاب و دیگر رسانه‌های آموزش و پرورش انشعابی وجود نداشته و ضمناً بین افراد درگیر با تکنولوژی جدید آموزشی و کتابداران انشعاب و افتراقی موجود نیست» بلکه برعکس آنها هم در داخل و هم در خارج از حرفه کتابداری شریک و همدم یکدیگر محسوب میشوند. به‌سرور زمان آشکار میگردد که به‌جای رقابتهای حرفه‌ای بی‌نتیجه، امکان‌گسترش یک رابطه‌ی تعاونی هم وجود دارد و مهم همین حالت است بویژه اگر علائمی از طرد مطالب و منابع دانشگاهی و ناامیدی نسبت به تکنولوژی آموزشی و پژوهشی وجود داشته باشد. مقاله‌ای با عنوان (تکنولوژی آموزشی - نیل سفید) و مقاله‌ای دیگر در باب (افسانه‌های تکنولوژی آموزشی) منتشر گردیده، درحالی‌که بابتی مهوری گفته‌شده که (تکنولوژی آموزشی فقط در مورد تکنولوژی آموزشی است) و احتمالاً کتابخانه قادر است که چنین عکس‌العملهای بیرحمانه و نابخردانه را خنثی کرده و بتواند عوامل ارزشمند در ارتباط با موضوعات چاپی را بیشتر بقبولاند. کشش برای رسانه‌هایی که در جهت عکس آموزش مورد استفاده قرار میگیرند تا فرد را در محفظه‌ای قرار داده و کنترل نمایند میتواند خیلی مؤثرتر از تدریس «الگوی ملایم نطق و خطابه» که بوسیله آن نوع کتابداری بی‌اثر و متعادل که تأکیدش روی تشویق (درخواست نامحدود فرد) گذاشته شده و طبق آن عمل مینماید، مورد استفاده قرار گیرد.

برای کتابخانه مشکل است از این مسئله چشم‌پوشی نماید که فراگیرنده نوعی فیزیک متفکر بوده و میتواند خطر غیر انسانی شدن آموزش را کاهش دهد (که البته اغلب توسط نویسندگان برنامه آموزشی از نظر مکتوم سیماند) بنظر میرسد که در مورد کتابخانه بحث‌های شدیدی راجع به تحقیق و بررسی رسانه‌های جدید وجود داشته باشد. بصورت عملی هر قدر مشکلات دقیقتر و زودتر بررسی شوند شیوه‌های مؤثر بهتر پیشرفت خواهد نمود. تاریخچه کتابخانه از الزام و تعهدی درست شده که می‌خواهد سردرگمی و بی‌نظمی را از بین ببرد و چنانچه نظریات حرفه‌ای در اختیار بوده و مورد عمل قرار می‌گرفتند این بی‌نظمی‌ها پیش نمی‌آمد. اصولاً مسئله رسانه‌های جدید آنچنان مسئله مهمی برای کتابخانه‌ها بشمار میرود که امکان بررسی مجدد نقش و عملکرد آنها را فراهم می‌آورد تا اهداف و گسترش آینده آنها ارزیابی و بویژه بررسی ارتباطات کتابخانه با آموزش رسمی و غیر رسمی را مشخص نماید. در انجام این کار باید بتوانیم در جهت برطرف کردن بعضی از تصورات غلط و شایع در مورد کتابخانه‌ها که در حقیقت بصورت سنتی بین غیر

کتابداران و بویژه بین افراد درگیر با آموزش و تحصیل وجود دارد حرکت نمائیم. گفته شده که رسانه های جدید در مقایسه با انقلابی که بوسیله مطبوعات چاپی بوجود می آید، احتمالاً باعث انقلابی در آموزش و تحصیل خواهند شد. و این حقیقت که روشهای جدید هم باعث گسترش تقاضا برای کتاب شده و هم تأثیر عده ای بر روی رشد آتی کتاب خواهند داشت مبالغه آمیز نمی باشد.

با توجه به چنین بیاناتی برای کتابدار شکل است «حتی برای کتابدارانی که دارای فلسفه سنتی هستند» که از بررسی معانی و مفاهیم رسانه های جدید اجتناب کرده و فقط تعیین نماید که تا چه حد زمینه مشترک وجود دارد. این ادعای کتابدار «افرادی که با وسایل سمعی و بصری و کامپیوتری کار میکنند به مرور نقشی را در کتابداری ایفاء خواهند کرد» برای حرفه کتابداری انگیزه دیگری محسوب میشود که نسبت به مسائل مورد خطر خود آگاهی یابد.

یک پروژه تحقیقاتی سه ساله که تأثیر رسانه های نوین بر روی کتابخانه را بررسی میکند اخیراً توسط کتابخانه سوسکس^۵ انجام میشود. البته از پیش روشن گردیده که کارهای استریونی در مورد رسانه ها برای تمامی کتابخانه ها و یا قسمت اعظمی از آنها امکان ندارد لیکن هر کتابخانه باید مسئله اصولی چند رسانه ای را در رابطه با وضعیت خاص خود مورد بررسی قرار داده و در این مورد دست به کار شود تا مناسب ترین حالت برای ترویج اهداف کتابخانه مشخص گردد. جدا از سیاست منفی و کوشش در جهت عدم بکارگیری و چشم پوشی از رسانه های نوین به این امید که رسانه ها از بین رفته یا حداقل تأثیری بر روی کتابخانه نداشته باشند سیاستهای فراوانی وجود دارد که کتابخانه به تناسب حال خود میتواند آنها را اتخاذ نماید.

با بررسی این شکل، کتابداری میتواند تصمیم بگیرد که رسانه های جدید را از کتابخانه خود مستثنی کرده و فعالیت هایش را فقط به سواد چاپی متعارف و معمول محدود نماید. شاید بحث های بسیار شدیدی در پذیرش چنین مسئله ای بوجود آید. برخی از کتابداران ممکن است کمترین درگیری را پذیرفته و صرفاً پیشنهاد نمایند که سواد و وسایل رسانه ای جدید ذخیره شود، ولی دیگران هدفشان در مورد جامعیت سواد و چاپی و غیر کتابی بوده و میخواهند تسهیلاتی برای تحقیقات مشترکشان (با توجه به محدودیت منابع موجود) فراهم سازند.

در حالیکه چشم پوشی از مشکلات و مسائل رسانه های جدید را نمیتوان توصیه نمود ولی بنظر میرسد که مسئله کتابخانه هائیکه با رسانه های جدید سروکار ندارند بهم وقابل توجه است.

لیکن در سالهای اخیر فعالیت هائی در رابطه با چنین فشارهای سخت برای کتابخانه ها

وجود داشته که این چنین تصورات غلطی را بوجود آورده است. عموماً چنین تلقی میشود که کتابخانه‌ها هنوز هم ساکن ساکت و خلوتی بوده و از دنیای پرهیاهو به دور هستند، و درحقیقت کتابخانه‌ها با وضعیت انقلابی و متحولی روبرو بوده‌اند که علت آن «انفجار اطلاعات و تحصیلات» شمرده شده است. مسئله انتشارات خود نیز در حال تغییر بوده، هزینه‌ها بالا رفته و تکنولوژی کسب اطلاعات (مثل کامپیوتر و میکروفرمها) از کتابخانه یک محل کاملاً متنوعی نسبت به چند سال پیش بوجود آورده است. در ضمن انتظارات خوانندگان نیز مستمراً هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت خدمات مورد نیازشان افزایش می‌یابد. مشاهده میشود دائماً برای کتابدار (که در جستجوی وجوه بیشتری است تا خدماتش را نو و جدید نگه دارد) فاصله هرچه بیشتری بین عرضه و تقاضا بوجود سیاید. این وضعیت شباهه با وضعیتی است که در مورد کارهای لرد باودن وجود دارد یعنی «جائیکه کوششها و مساعی مشترک کلیه اعضاء ضروری است تا دستگاه کتابخانه از کار نیافتد». زمانیکه چنین مشکلاتی در تهیه خدمات با توجه به مواد چاپی معمولی به چشم می‌خورد نتیجتاً این احساس را در کتابدار بوجود می‌آورد که نباید کار و عمل خود را در زمینه‌ای گسترش دهد که این زمینه تهدید کننده و باعث اتلاف هرچه بیشتر منابع کتابخانه شود.

طبیعتاً پس از گذشت قرن‌ها از ارتباط با کتاب بسیاری از کتابداران در مورد رسانه‌های جدید هنوز احساس شک و تردید دارند، که آیا این رسانه‌ها بعضاً به عنوان هشدار در مورد انحطاط و حتی انقراض لغات چاپی است؟ اگرچه به نظر میرسد چنین تصویری کاملاً بی‌اساس باشد زیرا کتاب نه تنها به عنوان یک رقیب باقی میماند بلکه به عنوان همراه و همدم قدرتمند مواد جدید نیز محسوب میشود، ولی طبیعی است که کتابداران سیبایست در مورد برخی از ادعاهای متخصصین رسانه‌ها مشکوک باشند.

تعمیضات فراوانی در دنیای آکادمیک به نفع کلمات چاپی و سنت کتابخانه‌ای وجود دارد، ضمناً این احساس بوجود است که هر یک از مواد سمعی و بصری بطریقی پست و ناچیز بوده و میتوان یک نوع غرور فکری را در استفاده از دستگاه‌های رسانه‌ای عمومی مشاهده نمود. مثلاً تلویزیون به عنوان (آدامس برای چشم) کنار گذاشته شده است. یک سخنر با تلخی دانشجویان را مورد خطاب خود قرار میدهد که دانشجویان بوسیله رسانه‌ها شستشوی مغزی میشوند و مدتی طول خواهد کشید که چنین روشهایی برای آموزش و فراگیری از نظر علمی و دانشگاهی نیز پذیرفته شود. البته باید جنگ بین کلمات را که از قدیم الایام بین جملات شفاهی و کتبی بوجود بوده مد نظر قرار داد. باید تأکید کرد که مثلاً شکل ظاهری محصولات رسانه‌های جدید مثل فیلم، کاست پلاستیکی، یا مجله بصورت اسلاید به اندازه کتاب جذاب و خوش آیند نیستند.

واقعیت این است که بسیاری از کتابداران نسبت به رسانه‌های جدید خصوصیتی نداشته و مایلند تجاربی در این زمینه کسب نمایند لیکن بعلت نداشتن راهنما و تجربه حرفه‌ای کافی نتیجتاً خود را بالاتر و مقدم‌تر از دیگران احساس میکنند، البته برای پذیرش یک زمینه واحد در مورد رسانه‌ها مشکلات فراوانی از قبیل مثلاً فیلم پیش پای آنها قرار گرفته است که البته همیشه نمیتوان این مورد را به رسانه‌های چندگانه (شامل چاپ) ترجیح داد.

در حالیکه خرید و نگهداری وسایل ضروری برای بهره‌برداری گران است، بدست آوردن مواد نیز گران میباشد. معمولاً در استفاده از مواد غیر کتابی موانعی وجود دارد که در مورد کتابها این موانع به چشم نمی‌خورد. وسایل و تجهیزات مورد نیاز به همراه مهارت (هر چند ابتدائی) برای اعضاء کتابخانه و استفاده کنندگان (به منظور دستیابی به محتویات مواد غیر کتابی) اسری الزامی است. مشکلاتی که از نظر خواندن کتاب موجود است ما را به یاد زمانی می‌اندازد که این مشکلات عیناً پس از بوجود آمدن کتاب برای خواندن طومار نیز وجود داشته است. بسیاری از مواد غیر کتابی به سهولت صدمه می‌بینند، مثلاً ضبط ویدیویی در طول زمان قسمتی از کیفیت خود را از دست می‌دهد و یا دیگر مواد غیر کتابی مثل اسلایدها را میتوان به سهولت در جیب گذاشته و فراموش کرد که در این صورت این امکان وجود دارد که آنها مفقود گردیده و از بین بروند. ضمناً مسائل و مشکلات جدی در رابطه با خدمات آزاد و امانت دادن مواد غیر کتابی و نیز هزینه‌های عمده پرسنلی وجود دارد، در حالیکه صدها سال کتاب از لحاظ شکل ظاهری خود ثابت و پایدار باقی مانده لیکن رشد و گسترش جدید در مواد غیر کتابی و کاربرد آنها دائماً در حال تغییر دگرگونی است. بعضی از مواد غیر کتابی پیش از آنکه سفارش گردند منسوخ میشوند. البته مسائل و مشکلاتی وجود دارد تا بر ناسازگاریها فائق آئیم. اطلاعات مربوط به مواد غیر کتابی خیلی سهل‌تر از اطلاعات مربوط به مواد چاپی بدست می‌آید، و به نظر میرسد که کافی بودن اسناد و مدارک با هزینه مواد و تولید آن حالت عکس دارد. متأسفانه مسائل و مشکلات حق انحصاری چاپ مطابق این الگوییست و از مواد چاپی به سراتب پیچیده‌تر بوده و در تهیه خدمات بر مشکلات کتابدار می‌افزاید (مسائلی نظیر گرفتن فتوکپی - گرفتن میکروفیلم و نرها). مشکلات مرتبط با رسانه‌های جدید مثل مشکلاتی در فوق اشاره شده موانع سخت و دشواری برای کتابدار پیش می‌آورند که باید به سرور بر آنها فائق آید. هنوز هم در جریان توسعه و پیشرفت، کتابخانه‌ها با دشواریهایی مواجه شده‌اند که بوسیله پیچیدگیهای فزاینده کسب اطلاعات و احتیاجات دائم-التغییر استفاده کنندگان از کتابخانه‌ها بوجود آمده و تاریخچه عکس العمل آنها در برابر پیشرفتهای جدید تاریخچه جالبی بوده است. به نظر میرسد که در مورد مشکلات جدید درگیری شدیدی وجود داشته باشد که این درگیری بصورت مبارزه طلبی بیشتر ظاهر میشود، بنابراین در این مورد کتابخانه میتواند مهارت‌ها و تجارب گرانهای خود را در مقابل آن حملات و مبارزه طلبیها بکارگیرد.

البته کتابخانه نمیتواند از تغییرات انقلابی که روی آموزش و احتیاجات استفاده - کنندگان از کتابخانه تأثیر میگذارد چشم پپوشد. در این صورت دو روند عمده را میتوان تشخیص داد :

۱- تأکید جدیدی است بر اهمیت آموزش و تحصیلات دانشجویان، زمانیکه (انفجار اطلاعات) محتوی آموزشی و تحصیلات را تغییر میدهد در نتیجه برای دانشجویان حرکتی بوجود می آید تا در تحصیلاتشان حرف بیشتری برای گفتن داشته و (تحصیلات مستمر) خود را سروسامان دهند، تغییر این موضوع در محدوده خدماتی که کتابخانه باید از نظر تأمین نیازهای مستقل خود فراهم سازد مسئولیت عمده ای را به دوشش میاندازد . ۲- علاوه بر این مشخص شده که مسئله اصلی تکنولوژی آموزشی تهیه امکانات وسیع آموزشی برای افرادی میباشد که از بین آن امکانات بهترین و موثرترین وسایل را برای هر هدف خاص انتخاب و مورد استفاده قرار خواهند داد .

(تکنولوژی آموزشی بدو با مشکل تدریس و گفتگو باخیل عظیم دانشجویان روبه رو بوده است.)

استفاده از منابع توسط دانشجویانی که بدون وابستگی به استاد کار میکنند مستلزم گسترش خدمات سنتی کتابخانه است زیرا برای بهره برداری مؤثر از مواد رسانه های جدید، تشکیلاتی منسجم و منظم مورد نیاز خواهد بود. کتابخانه بایستی با توجه به شکل بسته بندی اطلاعات موجود به نوع نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان توجه کرده و آن را مدنظر قرار دهد. برای استفاده کنندنده تنها بی بردن به سوارد مشترک بین مواد چاپی و غیر چاپی مشکلاتی است که وی ممکن است ضمن کار با آنها روبرو شود، لیکن باید در بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز بر آن مشکلات غلبه کند. خوانندگان احتیاج دارند که هرچه بیشتر به همراه مواد رسانه ای از کتاب نیز استفاده کنند در حالیکه اغلب عکس این موضوع نیز صادق است. به همین منظور به نظر میرسد اغلب کسانی که به محیط کتابخانه عادت کرده اند ترجیح میدهند بیشتر مواد چاپی را به عنوان مطالعه مورد استفاده قرار دهند. به سرور که دانشجویان وارد مؤسسات آموزش عالی میشوند بر اثر کار با رسانه های چندگانه که هم در مدرسه و هم در منزل فرا گرفته و بکار برده اند در استفاده از وسایل یا اخبار مربوطه به مواد غیر چاپی (غیر کتابی) با اشکال خیلی کمی مواجه خواهند شد. مسئله انتشارات نیز مدتهاست در حال تغییر است، رسانه های ۲ گانه، کتابهای موجود در نوارهای صوتی، اسلایدها و صفحات، نوارهای فیلم با یادداشتهای نطق و خطابه با کمیت زیادی ساخته و در دسترس مراجعین قرار میگیرند. ترزا و پروژه ها بیشتر بشکل غیر کتابی عرضه میشوند.

دانشگاه آزاد پیشگام ایجاد مجموعه گروه فراگیری رسانه های چندگانه میباشد. لیست

ناشرین حتی مراکز معتبر و پژوهشی «تاریخ مطبوعات بصری قرن بیستم دانشگاه آکسفورد»^۷ بسرعت در حال گسترش و توسعه بخش‌هایی برای انتشارات غیر کتابی خود هستند. تولید و انتشار رسانه‌هایی که از نظر شکل ظاهری شبیه به کتاب هستند مقرون به‌صرفه بوده و حائز اهمیت می‌باشند. نوارهای سوسکس که حاوی نوار ضبط صوت و یادداشت‌های چاپی است بشکل کتاب و قابل چیدن در قفسه‌ها ساخته شده‌اند و یک نوع صحافی خاص برای نگهداری کاست‌های ضبط‌صوت طراحی گردیده که از نظر ظاهری شبیه به کتاب می‌باشد در حالیکه پیش‌بینی شده که ویدیو، کاست‌ها نیز حدوداً دارای اندازه و شکل کتابهای متوسط باشند، علائمی نیز وجود دارد که سواد جدید ارزان‌تر شده و از نظر استفاده ساده‌تر شوند و حتی امکان از نظر اندازه استاندارد باشند. ضمناً به‌سرور در می‌یابیم که کیفیت مواد غیر کتابی به هیچ وجه پست‌تر از حروف چاپی و کتابی نیست و در برخی موارد مثلاً ضبط فیلم از آزمایشات علمی حتی مواد اولیه مورد نیاز را تشکیل می‌دهند.

تاریخ‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی کم‌کم به این مسئله پی می‌برند که ضبط‌های سمعی و بصری هم برای مطالعه مستقیم و هم برای مطالعه غیر مستقیم به‌عنوان نشان‌دهنده قدمت ساختشان (برای تحقیق و پژوهش بشکلی مشابه با سواد چاپی و دست‌نویس‌ها) اسری اساسی و ضروری می‌باشند.

ورود دوربین و ضبط‌صوت ابعاد جدیدی را به تحقیقات اضافه کرده، مثلاً برای مطالعه فلهور نازیسم در آلمان فیلم و ضبط‌صوت یک ضرورت است در حالیکه مک‌لوهان متذکر شده که در رابطه با ورود در کره‌ساز ضبط و ویدیوئی بعنوان نسخه اصلی ما بشمار می‌آید. با توجه به کلکسیونهای مواد سمعی و بصری که توسط سازمانهای خبری نظیر بی بی سی جمع‌آوری شده و با توجه به آرشیوهای ملی در سرتاسر عالم، کتابخانه‌ها به زمانی به‌نام (عصر تاریخ ویدیو) می‌رسند. معمولاً در کتابخانه‌ها خدماتیکه برای سواد رسانه‌ای جدید به‌استفاده کنندگان ارائه میشود تقریباً شبیه همان خدماتیکه برای سواد چاپی و متعارف و معمول کتابخانه‌ها به‌مراجعه عرض می‌شود. ضمناً در بعضی مواقع مشاهده شده که مسائل و مشکلات تکنیکی ناشی از اختلافات در قالب فیزیکی مسئله مبالغه شده و بعضاً با پیچیده‌گی خاصی که مستحق آن نیستند از آنها تقدیر بعمل آمده است. بیش از آنچه که تصور می‌رود سواد چاپی و غیر چاپی وجه مشترک زیادی با هم دارند.

بررسی مشترک‌زمانیکه مسائل مربوط به فرم تکنیکی مسئله باشد باعث می‌گردد که توجه روی اطلاعات منظم و مرتب که مسئله اصلی و اصولی است معطوف و متمرکز گردد. تضاد

7- Oxford University Press Visual History of the Twentieth Century.

در مورد تفکیک مواد با توجه به شکل خارجی آنها موقعی مشکل است که انتشار کتاب در حال تغییر باشد بطور مثال فرضاً کتاب در داخل یک جعبه یا جلد پلاستیکی شفاف به شکل جلد باز انتشار یابد. ضمناً زمانی مداخله کتابدار بنظر مهم میرسد که آشکار شود مشکل اصلی ارتباط رسانه‌های جدید با مواد چاپی است زیرا صرفاً کتابداران دارای مهارت‌ها و تجارب مربوطه در اداره و تدارک کتاب هستند. خطر ظهور مجدد بدعت‌های گذشته در مورد کلکسیونهای کتاب و یا اشتباهات فاحش متخصصین رسانه‌ها آشکار شده و کتابدار میتواند حداقل برای کاهش این خطرات سوابقی را فراهم آورد. احتیاج به کنترل کتاب‌شناسی برای مواد جدید نیز دارای نهایت اهمیت بوده و در این زمینه کتابدار میتواند راهنمایی و کمک‌های خود را به نحو مطلوب ارائه دهد که پشتوانه این کار همانا تجربه طولانی در مورد کلکسیونهای چاپی پیچیده است. در زمینه طبقه‌بندی، متمرکز اسناد و مدارک، مربوطه به مواد کتابداری و در مورد پیشرفت شبکه‌های همکاری بین مؤسسات نتایج چشمگیری به دست آمده است. شاید بحث شدیدی به نفع انتقال چنین تجربه‌ای در زمینه مربوط به مواد رسانه‌های جدید وجود داشته باشد، در عین حال دلیل محکمی دال بر برقراری یک سیستم جداگانه در این مورد موجود نیست. با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف چنین به نظر میرسد که هیچ مؤسسه دیگری مانند کتابخانه شایستگی و استحقاق آنرا نداشته باشد که مسئولیت خدمات تهیه مواد رسانه‌های چندگانه برای استفاده کنندگان را بعهده بگیرد. احتمالاً رشد و گسترش جداگانه خدمات مواد چاپی و غیر چاپی گران تمام میشود مثلاً نسخه برداری و نیز ارائه اسکانات برای گسترش رقابت غیر ضروری و ناسازگار. در جهت مبارزه مستقل برای تأمین نفوذ و پشتوانه مالی ممکن است هم حامیان کتاب و هم حامیان غیر آن مجبور شوند که سیاست‌های انحصاری و زیان‌آوری را اتخاذ کرده و مایل باشند نقش برتری را بدست آورند که در کل به نفع عموم نخواهد بود. در برخی موارد پذیرش توأم با شک و تردید مسئله رسانه‌ها ممکن است برای کتابخانه کوتاه فکری باشد. هنگامیکه تاریخچه حساسیت کتابخانه بررسی میشود مشاهده میگردد که گسترش علاقه کتابخانه، به رسانه‌های جدید صرفاً دنباله رسم و عادت زمانی است که سرویس و خدمات ضروری خوانندگان کتابخانه‌ها را تأمین میکنند. سؤال مورد بررسی این نیست که (چرا) بلکه این است که (چرا نه؟) و اینکه چگونه گسترش علاقه را به بهترین نحو میتوان بوجود آورد. به مرور مشاهده میشود که کار مثبت برای هماهنگی کامل جدید امتیازات بیشماری برای کتابخانه در بر دارد. استفاده و ارائه خدمات برای مواد جدید بقدری روشن است که برای کتابخانه مشکل خواهد بود تا نقش خود را در جمع‌آوری آرشیو محدود نماید.

در حقیقت امتزاج مواد رسانه‌های نوین باید در جهت دفع تصورات غلط فراوان در مورد کتابداری باشد طوری که روی فعالیت‌های خارجی آن تأکید نموده و توجهش را با کاری که انجام میدهد معطوف نماید. اهمال در مورد مطالعه تأثیر کتابخانه روی جریان‌فراگیری جایز

نبوده بلکه این مطلب میتواند جالب توجه نیز باشد. گمان می‌رود که مساعی تحقیقاتی - آموزشی بدو روی تحقیق در مورد فعالیت‌های تدریس متمرکز شده و برپایه این فرض مسلم بدون تدریس فراگیری به حداقل ممکن کاهش مییابد، در صورتی که عموماً دانشجویان در مطامعات شخصی خود دقت بیشتری نسبت به صحبت‌هایی که در اطاق نطق و خطابه و یا در اطاق استادان ایراد میشود بکار می‌برند. از نقطه نظر عرف و سنت بنظر میرسد که کتابخانه تأثیر عمده‌ای روی جریان فراگیری داشته و برای فرد این امکان را بوجود آورد که چگونگی فراگیری را یاد گرفته و یا بیاموزد که چگونه اطلاعات را کنترل کند تا مشکلات را حل کرده و تصمیم‌گیری نماید. مبالغه نیست اگر بگوئیم که یکی از اهداف عمده تحصیل و آموزش این است که یاد بگیریم چگونه از منابع کتابخانه‌ها استفاده نمائیم تا اینکه استقلال استفاده‌کننده در انتخاب آخرین اطلاعات و مبارزه علیه کهنه‌ها را گسترش دهیم. فعلاً که ما وارد یک دوره تحصیلی مستمر و طولانی میشویم (مطابق با شرایط مدرن) اهمیت کتابخانه برای فراگیری و آموزش نیز مورد تأکید مجدد قرار میگیرد. تهیه مواد غیر کتابی به سوازت تهیه کتاب نقش کتابخانه را در ایجاد امکانات برای شخص افزایش میدهد تا با استفاده از منابع جدید و تکنیک‌های مدرن بتواند بصورت مداوم و پی‌گیر آموزش دیده و مطالب را فراگیرد.

درک این مطلب کمی مشکل است که چگونه تکنولوژی آموزشی و تکنولوژی کسب اطلاعات تقریباً بصورت فعالیت‌های ایزوله مدتهای مدیدی مورد مطالعه قرار گرفته است. شاید منافع و استفاده‌های مهمی بتوان از تلفیق تکنولوژی آموزشی و تکنولوژی اطلاعاتی بدست آورد که برای رسیدن به این هدف کتابخانه پایه و اساس محکمی ارائه میدهد که نه تنها مواد فراگیری بلکه همچنین وسایل فراگیری را نیز قابل استفاده نگه میدارد.

گزارش وینبرگ (علوم، دولت، اطلاعات، ۱۹۶۳)^۸ روشن ساخت، برای دانشجو یگر فراگیری یک موضوع کافی نیست بلکه او می‌بایستی ادبیات آن موضوع را نیز بیاموزد. البته مفهوم اصلی ادبیات یعنی بی‌توجهی به شکل خارجی هر آنچه که در دسترس باشد و دقت در مورد محتوی درونی آن. یک ضرورت دیگر نیز وجود دارد و آن این است که دانشجو باید بتواند با استفاده از مؤثرترین و مدرن‌ترین روشهای موجود موضوع مربوطه را بدیگران انتقال دهد. جائیکه مهارت بکارگیری اطلاعات با بکارگیری مهارت در انتقال اطلاعات همساز و منطبق است بایستی کتابخانه توانائی آن را داشته باشد که خدماتی در همان جهت به استفاده‌کنندگان ارائه دهد. اصطلاح (سراکز و منابع ابتکار) مورد توجه زیادی قرار گرفته و یک کتابدار در مییابد که در مؤسسات خاصی از ایالات متحده دیگر امکان ساخت یک کتابخانه وجود ندارد بلکه فقط میتوان یک مرکز

ابتکار و منبع فراگیری یک مرکز آموزشی یا یک مرکز رسانه‌های چندگانه بوجود آورد که توسط افراد غیر کتابدار اداره میشوند. شرایط و اصطلاحات جدید به تنهایی قادر نیستند مشکلات را حل کنند اگر چه کوشش محصلین به اهمیت مواد در جریان تحصیلی آنها موفقیتهای بیشتری به حساب می‌آید لیکن در تعیین اهداف و عملیات واحدهای جدید کمتر نتیجه‌ای حاصل شده است. برخی از متخصصین رسانه‌ها اظهار تأسف میکنند که بسیاری از مراکز به سرور (چیزی جز کتابخانه با یک نام تغییر یافته و خیالی) نمی‌باشند و ارتباط دقیقی که اینگونه مراکز باید با کتابخانه‌های خصوصی برقرار کنند بندرت مورد دقت و بررسی کافی قرار گرفته است، انکار این مطلب که بسیاری از حرفه‌ها و ادعاهای مراکز جدید در مورد آن نوع خدماتی است که سالها کتابخانه‌های پیشرفته سعی در ارائه آن داشتند مشکل به نظر میرسد. البته کمبود و مشکلات مسائل مالی نیز در ناکامی و عدم توفیق اهداف مورد نظر مقصود بوده است. احتمالاً این مسئله بر روی رشد و گسترش «مرکز‌گردانی و ابتکار» تأثیر گذاشته و قبلاً در برخی موارد نیز تأثیر آن مشاهده شده است. ضمناً خاطرشان شده که «مرکز‌گردانی و ابتکار» نوعی کتابخانه دارای رسانه‌های چندگانه و انواعی کتابخانه وسیع و پیشرفته است که شامل کلیه امکانات رسانه‌های اطلاعاتی و ذخیره‌ای بوده و علاوه وسایل و تجهیزاتی جهت استفاده مراجعین به این گونه مراکز را داراست. درک این مطلب مطمئناً مشکل خواهد بود که چگونه یک «مرکز‌گردانی و ابتکار» می‌تواند موادی را که توسط کتابخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد مجزا کرده و یا آنها را مغایر با شیوه‌های سرسوم در کتابخانه‌ها بکار برده و یا در دسترس مراجعین قرار دهد. بسیاری از متخصصین رسانه‌ها اهمیت تهیه خدمات مشترک را که آمیخته‌ای از امکانات «کتابخانه‌های سنتی» و «مراکز سمعی و بصری» است شناخته و به سرعت به این مطلب پی برده‌اند که عدم همکاری کتابخانه‌ها و مراکز رسانه‌ای نه تنها امتیاز و مزیتی محسوب نمیشود بلکه برعکس کار مستقل هر یک از آنها به ضرر دیگری است به همین منظور از تلفیق و ادغام این دو سازمانی بوجود آمده که آنرا «سازمان جامع و مشترک برای فراگیری ابتکارات و منابع» نام نهاده‌اند. کتابخانه باید توانائی آن را داشته باشد که مواد دیگر را که با همان روش تولیدی که در مورد مواد چاپی بکار میرود انتخاب کرده و مورد استفاده قرار دهد. لیکن چنانچه انتظار داشته باشیم کتابخانه صرفاً بعنوان مخزن یا انبار مواد رسانه‌ای در آید انتظاری بیهوده خواهد بود. البته امتیازات بازاری وجود دارد که میتوان از طریق ارتباط نزدیک و مسائل و مهارت‌های تخصصی امتیازات مربوطه را کسب کرد که در این راستا مؤسسات فرهنگی و آموزشی خاص مانند سوسکس و لنکستر سعی کرده‌اند با امتزاج واحد تولید رسانه‌های محلی با کتابخانه این امتیازات و منابع را بدست آورند. هر نوع سیستم مدیریت و سیستم اداری که مدنظر باشد باید در داخل یک سوسه فرهنگی سعی نماید بین واحد تولیدی و کتابخانه حداکثر همکاری را بوجود آورد. از گسترش علاقه کتابخانه به رسانه‌های جدید و رشد کتابخانه‌ها این انتظار میرود که آموزش و تحصیلات

بی نهایت دگرگون شده و تحت تأثیر قرار گیرند البته زود است بگوئیم کدامیک تأثیر پذیر خواهند بود ولی فقط زمینه آنرا ذکر میکنیم. نسبت به عضویت در کتابخانه تقاضاهای جدیدی داده میشود که کتابخانه باید پیش از پیش در خدمت مراجعین بوده و در کار جمع آوری و رسیدگی به آنها اقدام نماید. این مسئله مستلزم تغییراتی در برنامه های آموزشی کتابخانه از طریق نوآوری ینهای مداوم و دوره های کوتاه مدت عملی خواهد بود تا اعضاء کتابخانه بتوانند از پیشرفت های جدید در سواد غیر چاپی و کاربرد آنها در علوم و تحصیل آگاه شده و با آنها هماهنگ شوند. ذکر این نکته لازم است که آن دسته از کتابدارانی که سایلند بخشی از این دوره های مخابراتی و ارتباطی جدید را طی کنند باید از نقش خود به عنوان «نگهدارندگان و حفظ کنندگان کتاب» چشم پوشی کرده و به عنوان متخصص ابتکار نوآوری در کلیه اشکال سمعی و بصری - اطلاعاتی - چاپ و کامپیوتر نقش ارزنده ای ایفا نمایند. ضمناً کتابداران جدید باید نسبت به تئوریهای فراگیری و آموزش فردی و برنامه ریزیهای آموزشی اقدام کرده و در هر کدام مجرب و متبحر شوند. در روند تهیه مواد جدید برای ساختمان کتابخانه ها نیز باید هرچه سریعتر برنامه ریزی شود تا احتیاجات دائم تغییر استفاده کنندگان کتابخانه را در خود جای دهد. معمولاً خوانندگان درخواست میکنند که در محل های مطالعه خود از وسایل و تجهیزات گوناگونی استفاده کنند، طرح و نقشه کابین - های مطالعه با انواع متنوع آن احتیاج به تحقیق و بررسی داشته و در این زمینه مخلوطی از انواع کابین های بسته و کابین های باز برای تأمین نیازهای ویژه آموزش و مطالعه ضروری بنظر میرسد محلی برای مطالعه خوانندگان در کتابخانه هائیکه هم مواد چاپی و هم مواد غیر چاپی را در اختیار دارند ضروری است زیرا مواد غیر چاپی به هیچ وجه جانشین کتاب نبوده و بارها مشاهده شده که استفاده از مواد غیر چاپی در محیط کتابخانه ها باعث افزایش تقاضا برای کتاب شده است ، بنابراین برای استفاده از تمام امکانات کتابخانه ها نیاز به وسایل و تجهیزات فراوانی احساس میشود علاوه بر این وسایلی نیز در رابطه با میکروفرم ها - گرفتن فتوکپی - استفاده از دستگاههای اتوماتیک مورد نیاز خواهد بود. در این رابطه بی مورد نخواهد بود. که بحث مربوط به عدم تمرکز خدمات کتابخانه و نیز کتابخانه هائیکه دارای تشکیلات عمده ای هستند مورد بررسی مجدد قرار گیرد. ورود مواد غیر کتابی به کتابخانه موقعیتی ایجاد میکند که کتابخانه باید نسبت به آن موقعیت و بر حسب نیاز خود شیوه های عمل و همچنین طرز کارگیری مواد جدید را مشخص و طبق آن عمل نماید. در محیط کتابخانه های جدید میتوان دریافت که مثلاً اداسه فلان شیوه کار صحیح است یا خیر و همچنین میتوان هزینه های مربوطه را پیش بینی و برآورد نمود، ضمناً میتوان بر روی دیگر مواردی که از نظر دور مانده اند تأکید بیشتری به خرج داد. برای مثال مابه تجدد نظر دائمی در مورد ذخیره و انبار مواد نیازمندیم و در ضمن کار نیز چنانچه کتابخانه ای نیاز به از بین بردن مقدار زیادی از مواد رسانه ای خود که منسوخ شده و مورد استفاده نمی باشد احساس کرد

باید فوراً در این مورد اقدام نماید. احتمال تجدیل تقاضای بیشتر به بخش انتخاب کتابخانه وجود دارد که در این زمینه قسمت‌های آموزش و تحقیقات کتابخانه باید گسترش یافته و مواد جدید را جذب نماید تا بوسیله کاربرد مواد و تکنیکهای رسانه‌ای جدید به دیگر قسمت‌ها یاری رسانده و در حد توان به آنها کمک کند. در مورد مؤسسات آموزشی علائم ورود کتابخانه به حیطه مواد غیر کتابی قابل توجه می‌باشد ولی نمیتوان انکار کرد که کتابخانه‌ها بصورت عجیبی از نظر دانش پژوهان و محققین دور مانده و آنها اغلب در نوشته‌ها و انتشارات مطالبشان بیشتر کتابخانه‌ها را بنام «قلب» «خانه قدرت» یا حتی «سنگ بنای مؤسسه آموزشی» نامیده‌اند. با وارد کردن مواد غیر کتابی به کتابخانه این احتمال وجود دارد که مؤسسه آموزشی رابه یک مرکز کتابخانه تبدیل کنیم یعنی جائیکه دانشجویان بیشتر به کتابخانه به عنوان پایه و اساس مطالعه شخصی توجه خواهند داشت. در اینجا لازم به یادآوری که گروه استادان نیز از کمک‌هایی که خدمات گسترده کتابخانه به برنامه آموزشی و بررسی نقش آنها در داخل مؤسسه میتواند بنماید قدردانی و تشکر میکنند. در تجدید دوره تحصیلی و برنامه ریزی فعالیت‌های دوره جدید بعید بنظر نمیرسد که کتابخانه از نظر دور بماند و در تضاد بین تدارکات کتابخانه و احتیاجات دانشگاه خطر برخورد اندکی وجود دارد. کار مؤسسه آموزشی بدون حمایت و پشتیبانی کتابخانه‌ای که مواد تدریس و آموزش غیر کتابی را در خود دارد بندرت میتواند گسترش یافته و پیش برود بنابراین برای سرپرستان و مدیران چندان ساده نخواهد بود که اجازه دهند مسائل و نظرات چنین کتابخانه‌ای نادیده گرفته شود و یا به عنوان فکری منحن و پیش پا افتاده با آن برخورد شود. در رابطه با تکنولوژی آموزشی و واحدهای تولید رسانه‌ای، کتابخانه توسعه یافته میتواند هم پذیرش روش‌های جدید و مواد آنرا تسریع نموده و هم خطر تمرکز بیش از حد روی وسایل و تجهیزات گران قیمت بخصوص خطر همیشگی تلویزیون را که بی دلیل بر همهٔ امور مسلط میشود کاهش دهد. یکی از مشکلات بزرگ در رابطه با مواد رسانه‌ای جدید ناشی از هزینه تولید، وارد کردن آن و سازمان دادن آنها برای استفاده منظم و صحیح بوده و در طول خدمت کتابخانه‌ها همیشه مسائل مالی و کمبود پول مانعی بر سر راه دسترسی و استفاده از مواد جدید بوده است. بطور بارز مواد غیر کتابی و خدمات کتابخانه‌ای را نمیتوان به حساب پشتیبانی مالی غیر کافی که برای کتاب در نظر گرفته شده و به سرور زمان بر اثر عامل تورم قدرت خرید خود را از دست داده - مطرح و بررسی نمود. ذکر این نکته ضروری است که استفاده یکی از آنها منجر به استفاده بیشتر از دیگری خواهد شد. مسلح توقع استفاده کننده از کتابخانه آنچنان با سرعت بالا رفته و هزینهٔ مواد غیر کتابی و تجهیزات و وسایل مورد استفاده آنچنان زیاد است که هنوز مسائل و مشکلات مهم و فراوانی وجود دارد تا تمام آنها حل شود. توجه به این نکته جالب است که « کمیته اعانات دانشگاه^۱ » توصیه نموده که بعلت

تهیه و تدارک مواد غیر کتابی بودجه کتابخانه مجدداً بررسی شود. رسیدگی دقیق به مسائل مالی کتابخانه هاهم برای برنامه های آموزشی رسمی و هم غیر رسمی ضروری است. اشاره شده که در تحصیلات عالی به نسبت سرمایه به کار هنوز هم بر مبنای وضعیت یک دانشجوی متوسط ارزیابی شده و چنانچه توجه کافی به هزینه های زمان دانشجویی و هزینه های مربوط به استادان در ارتباط با کتاب مبذول شود به این نتیجه میرسیم که دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی مقالات و کتب بیشماری در اختیار خواهند داشت که دانشجویان از آنها استفاده میکنند تا استاد کمتر مورد نیاز باشد. با توجه به نسبت کتاب و اعضاء بنظر میرسد که برای بسیاری از مؤسسات داشتن کتاب امتیازی محسوب میشود. دلایل محکمی وجود دارد که معتقد باشیم بازگشت به سرمایه گذاری در خدمات کتابداری بهتر از هر جای دیگری در آموزش و پرورش ارزشمند خواهد بود اشاره به تأکید آقای لرد اکلس^{۱۰} بر روی مواد غیر کتابی و برنامه های توسعه و پیشرفت کتابخانه انگلیس بسیار جالب توجه بوده است. اینچنین شناختی از نقش بالقوه کتابخانه، اهمیت اساسی کتابخانه در زندگی مدرن و ارتباط دانش رسانه ها و مردم با یکدیگر را روشن ساخته و نظرها را به خود جلب میکند.

رسانه های جدید میتوانند برای کاپیه کتابخانه ها این موقعیت را فراهم آورند که کمک و یاری قابل توجهشان به آموزش و تحصیلات را که مکرراً نادیده گرفته شده مد نظر قرار داده و حالت تابع و انقیاد در آموزش و پرورش را از آنها دور سازند. احمقانه خواهد بود اگر مشکلات اساسی و عمده ای را که کتابخانه ها در رابطه با رسانه های نوین در پیش رو دارند نادیده گرفته و آنها را شناسائی نکنیم.

باید علاقه روز افزون کتابخانه ها در یافتن راه حل هایی برای این مشکلات را در نظر داشته و آنها را بکار بندیم. از طریق واحدها و انجمن های حرفه ای نظیر انجمن کتابداران - و همکاری موجود بین کتابخانه ها و سازمانهایی مانند «انجمن ملی تکنولوژی فرهنگی و آموزشی»^{۱۱} میتوان مشکلات و نارسائی ها را کاهش داد. بنظر میآید بسیاری از نظریات در مورد بقاء و حیات کتابخانه و کتاب کاملاً دور از حقیقت و گمراه کننده شده است. بهر حال این آینده کتاب نیست که ما نگران آن هستیم بلکه نگران «کتاب در آینده» میباشیم. چنانچه پرنسور پست لت وایت^{۱۲} مدعی است که (مضامه همانا مهم ترین راه فردی برای آموزش فرد خواهد بود) و کتابخانه همچنان به عنوان یک منبع اصلی مطالعه و تجدید باقی خواهد ماند. البته این موارد به کیفیت و حساسیت کتابخانه ها و شخصیت های سوم و کلیدی آنها بستگی خواهد داشت

10- Lord Eccles.

11- National Council for Educational Technology.

12- Professor Postlethwait.

که تصمیم‌گیری نمایند کتابخانه در قلمرو تحصیل و آموزش آینده نقش سهمتری ایفاء کند یا خبر. رسانه‌های جدید بعنوان تهدید کننده یا مزاحم بسیاری از کتابخانه‌ها محسوب نمیشوند بلکه بسیاری از کتابخانه‌ها به مرور در سیلاب که رسانه‌های جدیدنه تنها مزاحم کار و فعالیت آنها نیستند بلکه برعکس آنها موقعیتی قابل توجه و استثنائی برای کتابخانه‌ها فراهم میاورند که بوسیله آن کتابخانه‌ها میتوانند خدمات ارزنده‌ای را به جامعه و مراجعین ارائه داده و کیفیت خدمات خود را بالا برند. همانگونه که سراریک اشبی^{۱۳} در رابطه با دانشگاه‌ها اشاره نموده برای حیات و بناء یک مؤسسه باید ۲ شرط را جامعه عمل پوشاند اول اینکه باید آن چنان ثابت و استوار بود که آن هدف ایده‌آلی را که باعث تولد آن مؤسسه شده حفظ و تقویت نمود، دوم اینکه آنقدر مشتاق و علاقمند بود تا هرچه بیشتر ارتباط بین جامعه و مؤسسه را حفظ نمود و از این ارتباط حمایت و پشتیبانی کرد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که ورود رسانه‌های نوین، کتابخانه‌ها را قادر میسازند که هرچه بیشتر سابقه درخشان و برجسته خود را در ایفاء این دو مسئولیت حفظ نموده و فعالیت‌های خود را گسترش دهند.

